

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا. م. شیرى
۰۲ سپتمبر ۲۰۲۲

میخائیل گوربچوف، سمبل جهان تک قطبی مُرد

به گزارش رسانه‌های جمعی، میخائیل گارباچوف آخرین رهبر حزب کمونیست و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در پی بیماری طولانی روز ۳۰ اگست ۲۰۲۲ (۸ شهریور - سنبله)، در بیمارستان مرکزی مسکو مُرد. او با رهبری اتحاد شوروی، سلطه جهانی ایالات متحده آمریکا را تحکیم بخشید و به این ترتیب، به موجودیت جهان دو قطبی پایان داد. اکنون مرگ او به مثابه نماد مرگ جهان تک قطبی نیز تلقی می‌شود.

مرگ رئیس جمهور سابق کشور بزرگ اتحاد شوروی در روند سیاسی کنونی جهان دیگر معنائی ندارد. زیرا، او از مدت‌های زیادی پیش از فعالیت‌های سیاسی کنارگیری کرده بود. البته، در اواسط سال‌های دهه ۱۹۹۰ گوربچوف تلاش کرد به این حوزه بازگردد، اما نتیجه نداشت.

گوربچوف نماد دورانی است که کشور اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی تجزیه و نظام سوسیالیستی جهانی تخریب گردید. در نتیجه نابودی عامل بازدارنده، دنیای غرب به سردمداری ایالات متحده آمریکا فرصت یافت تا سلطه جهانی و دموکراتیزاسیون خود را برقرار نماید.

روشن است که دموکراتیزاسیون یک مفهوم صادراتی است که توسط نخبگان غربی ایجاد شده تا کشورهای جدید را به مدار نفوذ خود جذب کنند. گوربچوف به این نظام اعتقاد داشت و خود را در خاستگاه دنیای تک قطبی یافت. بنابراین، مرگ رهبر سابق اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی امروز نماد پایان این هژمونی محسوب می‌شود.

میخائیل گوربچوف اساساً از طریق زنش - رایسا (رئیس) به واسطه انگلیس، به ویژه مارگارت تاچر هدایت می‌شد. خود او در تمامی مصاحبه‌ها با رسانه‌ها و مطبوعات به مذاکره و صحبت با رایسا و اتخاذ تصمیمات در مورد مسائل مختلف با وی اذعان کرده است.

باندهای خائن و سپرده بیگانه در اتحاد شوروی اساساً پس از فرمان سال ۱۹۵۶ خروشچوف مبنی بر ممنوعیت نظارت کمیته اطلاعات و امنیت (مشهور به ک. گ. ب) به کار مقامات کشور - از صدر شورای ده گرفته تا بالاترین سطح، سازمان یافتند و به صورت تشکیلاتی عمل کردند. آن‌ها به روال معمول به واسطه سردسته‌ها یا سرگروه‌ها هدایت و مدیریت می‌شدند. آخرین و خشن‌ترین سرگروه خائنان، الکساندر یاکولی‌یف بود، که به واسطه سازمان «سیا» جذب شده بود و گوربچوف از آن اطلاع داشت.

گوربچوف از سال‌های زیادی پیش در جریان برنامه تجزیه و انحلال اتحاد شوروی و تخریب سوسیالیسم قرار داشت. او طی سفرهای متعدد به کانادا برای دیدار با الکساندر یاکوولی‌یف، سفیر شوروی در این کشور، از جمله در سال ۱۹۸۳ با یکسری مقامات امریکا و انگلیس، به ویژه، با حضور مارگارت تاچر در باغ وزیر کشاورزی کانادا اجتماع نموده، در مورد اجرای مرحله به مرحله این برنامه توافق کردند.

بر اساس همان توافق بود، که ابتداء گوربچوف حزب کمونیست را از رهبری کشور برکنار نمود و در ادامه کار او، یلتسین حزب کمونیست را منحل و فعالیت آن را ممنوع اعلام کرد. به سخن دیگر، گوربچوف در واقع کار ناتمام تروتسکیست‌های خروشچی را به سرانجام رساند.

گوربچوف هیچ گاه هدف خود از تلاش برای رسیدن به رأس هرم قدرت در اتحاد شوروی به منظور دفن کمونیسم و اتحاد شوروی را نه تنها انکار نکرد، حتی طی یک سخنرانی در دانشگاه امریکائی در انقره آن را به صراحت بر زبان آورد.

دوره رهبری گوربچوف همراه بود با حضور پررنگ و گسترده مأموران سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی کشورهای غربی، به ویژه امریکا و کشورهای اروپائی در اتحاد شوروی و سرریال انقلاب‌های رنگی منجر به تجزیه در این کشور سابقاً موجود و همه کشورهای بلوک سوسیالیستی، از جمله انقلاب رنگی در رومانی و ترور چائوسکو به دست مزدوران رومانیائی سازمان سیا و یا به قدرت رسیدن یک مزدور دیگر سیا به نام لخ والسا در پولند و عوامل مشابه در سایر کشورهای اروپای شرقی.

در مورد خیانت باندهای نفوذی، به ویژه باند یاکوولی‌یف- گوربچوف- یلتسین، نه تنها به اتحاد شوروی، حتی به کل بشریت جهان، میلیون‌ها میلیون تحقیقات به عمل آمده، میلیون‌ها میلیون سند و مدرک ارائه شده، میلیون‌ها میلیون تحلیل و بررسی ارائه شده و به هر گوشه جهان که بنگری شواهد این خیانت هولناک به بشریت را به عینه می‌بینی!

در این رابطه در حالت کلی می‌توان گفت، با از میان برداشتن اتحاد شوروی به عنوان عامل بازدارنده تهاجمات امپریالیسم در دوره گوربچوف: مستعمرسازی کشورهای اروپای شرقی و برخی جمهوری‌های منشعب از اتحاد شوروی و جذب آن‌ها به پیمان نظامی- تروریستی ناتو؛ وابسته کردن اقتصاد کشورهای بلوک سوسیالیستی به دالر و تبدیل آن‌ها به بازار کالاهای تولیدی کشورهای سرمایه‌داری؛ علم و صنعت‌زدائی در بلوک کشورهای سابقاً سوسیالیستی؛ تجزیه چک و سلواکی، یوگسلاوی، سودان و غیره؛ شروع دور جدید جنگ‌های استعماری؛ اشغال، ویرانی و به آشوب و هرج و مرج کشیدن تعداد زیادی از کشورها مانند البانی، عراق، افغانستان، لیبیا، سوریه، یمن، مصر، مالی، ساحل عاج و تقریباً همه جمهوری‌های سابقاً متحد شوروی؛ کشتارهای میلیونی و راه افتادن سیل مهاجرت و فرار از کشورها؛ ترسیم مرزهای جغرافیائی جدید بین ملت‌ها و خلق‌های دوست و برادر؛ شعله‌ور شدن آتش جنگ‌های قومی- قبیله‌ای، دینی- مذهبی؛ تبدیل دوستی و برادری بین ملت‌ها و خلق‌ها به کینه و دشمنی بین آن‌ها؛ احیای روحيات ناسیونالیستی، فاشیستی، تبعیض نژادی؛ همه‌گیر کردن فقر و فاقه، گرسنگی و بی‌کاری، بی‌مسکنی و بسیاری مصایب عموم بشری دیگر در جهان، همه و همه از ثمرات شوم دوره رهبری باند نفوذی غرب امپریالیستی، به طور کلی ارتجاع سرمایه‌داری در اتحاد شوروی می‌باشد، که رژیم‌های امپریالیستی به سرگردگی امپریالیسم محقق ساختند.

هدف از کلیه دلایلی مانند «نبود دموکراسی» «مشکلات اقتصادی»، «حاکمیت ایدئولوژیک و توتالیتر» و غیره که بسیاری‌ها برای انحلال اتحاد شوروی و حذف آن از نقشه سیاسی جهان و همچنین، به عنوان دلایل تخریب سوسیالیسم برمی‌شمارند، بیش از یک فریب‌کاری برای انحراف اذهان عمومی از واقعیت‌ها نیست. چنین تحلیل و بررسی‌ها اساساً به قصد عادی‌سازی خیانت و نفوذ؛ خدمت به بیگانه؛ انکار بیش از پنج تریلیون دالر هزینه صرف شده امپریالیسم و

ارتجاع جهانی برای نابودی اتحاد شوروی؛ به فراموشی سپردن جرایم و جنایات جهانی امپریالیسم جهانی؛ القای تصور عدم امکان ساخت سوسیالیسم (عدالت اجتماعی) و حیات آن در اذهان عمومی و به طور کلی، به منظور نفی تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی تاریخی انجام می‌شود.

برای باز هم واضح‌تر نشان دادن ابعاد هولناک خیانت گوربچوف و به طور کلی، باند خائن یاکوولی‌یف- گوربچوف- یلتسین، این مطلب را با چند سؤال ساده زیر به پایان می‌برم:

– چگونه است که جوامع سرمایه‌داری با کلی مشکلات و معضلات ساختاری مانند، فقر و بی‌کاری، گرسنگی و خانه‌بدوشی میلیون‌ها میلیونی فرونپاشیدند، اما اتحاد شوروی که هرگز با مشکلات مشابه گرفتار نبود، به زعم خیلی‌ها «فروپاشید»؟

– خلق‌ها و ملت‌های برخی سرزمین‌ها، از جمله، ایرلند، کاتالونیا و ... سالیان سال است که برای استقلال خود مبارزه می‌کنند، چرا هنوز موفق نشده‌اند، اما اتحاد شوروی به طرفه‌العین تجزیه و منحل گردید، «استقلال» همه جمهوری‌های منشعب از آن بلافاصله به رسمیت شناخته شد و همه به عضویت سازمان به‌اصطلاح ملل متحد درآمدند؟
– مگر نه این است که عملکرد تنها معیار حقیقت است! آیا جهان بعد از محو اتحاد شوروی امن‌تر و مرفه‌تر شد یا به عکس؟

خلاصه، میخائیل گورباچوف، سمبل جهان تک قطبی به جمع خانمان در زباله‌دانی تاریخ پیوست. گورش گم باد!

<https://eb1384.wordpress.com/2022/09/01/میکائیل-گارباچوف-سمبل-جهان-تک-قطبی-م/>

۱۰ شهریور - سنبله ۱۴۰۱

چند مطلب مرتبط:

– فرمانده کودتای بلاژسکی سقط شد

– یهودا قبل از هر کسی به خود خیانت می‌کند

– مُهر «باطل شد»!

– سقوط، انحطاط و سیر قهقراپی

– ترور تسکیسم ضدانقلاب در خفاء

– الکساندر یاکوولی‌یف مأمور سیا بود و گوربچوف از آن اطلاع داشت

– مکانیسم‌های تجزیه اتحاد شوروی و «قاعده دومینو»

– جمهوری‌های منطقه بالتیک و انحلال اتحاد شوروی

– سال‌های هلاکت‌بار

– گذشته‌های کنگره بیستم

– دور تازه جنگ‌های ژئوپلیتیک امپریالیسم

– نیمی از جهان به غارت رفته

یادآوری:

مطالب مرتبط با جست و جو در اینترنت براحتی قابل دسترس هستند.